روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | ۹ مرداد ۱۴۰۰ | ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ | ۳۱ جولای ۲۰۲۱ | سال سیزدهم | شماره ۳۲۶۹ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۲ سال و ۲۷۹ روز گذشت |

ولادت باسعادت باب‌الحوائج حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام را شادباش می‌گوییم

امانوئل مکرون؛ از حمایت از کارتون موهن شارلی ابدو تا شکایت از یک کارتونیست منتقد

روسیاهی هیتلر فرانسه

صفحه ۷

بهترین گل فصل اروپا به نام مهاجم ایرانی تیم پورتو ثبت شد

قیچی طارمی در دل تاریخ

صفحه ۶

رهبر انقلاب در آخرین دیدار روحانی و دولت دوازدهم با ایشان با تأکید بر لزوم استفاده از تجربه‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم در آینده:
یک تجربه بسیار مهم در این دوران عبارت است از بی‌اعتمادی به غرب که آیندگان باید از آن استفاده کنند

در این دولت معلوم شد اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد

مایه عبرت

بازخوانی تذکرات دلسوزانه رهبر انقلاب به دولت روحانی درباره عدم اعتماد به غرب در ۸ سال گذشته

اعتماد روحانی به غرب چه هزینه‌های اقتصادی به مردم تحمیل کرد

صفحات ۱ و ۵

عکس: Khamenei.ir

تیترهای امروز

حکم دادگاه به برائت رهبر شیعیان نیجریه و همسرش پس از ۶ سال

زکزاکی شیخ روسفید

صفحه ۷

نمایندگان مجلس: طرح صیانت از کاربران فضای مجازی ممانعتی برای فعالیت دیگر شبکه‌های اجتماعی ایجاد نخواهد کرد

شفاف‌سازی برای صیانت

صفحه ۲

یک کشتی دیگر اسرائیلی در نزدیکی عمان مورد حمله قرار گرفت

آتش در کشتی صهیونیست‌ها

صفحه ۲

«وطن‌امروز» از کم‌توجهی دولت نسبت به افزایش مراکز تجمیعی واکسیناسیون با افزوده شدن ۱۰ گروه شغلی پرخطر از امروز گزارش می‌دهد

بی‌تدبیری تا آخرین نفس!

■ طی ۲۴ ساعت ۲۷۰ نفر از هموطنان بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند

صفحه ۴

دیدگاه

اعتماد روحانی به غرب چه هزینه‌های اقتصادی به مردم تحمیل کرد

تجربه گران

سیدامیرحسین موسوی: رهبر انقلاب در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت دوازدهم با ایشان، لزوم استفاده از تجربه‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم در آینده را خاطرنشان کردند و افزودند: «یک تجربه بسیار مهم در این دوران عبارت است از بی‌اعتمادی به غرب که آیندگان باید از آن استفاده کنند». ایشان فرمودند: «در این دولت معلوم شد اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد و آنها کمک نمی‌کنند و هر جا بتوانند ضربه خواهند زد و اگر جایی هم ضربه نمی‌زنند، به این دلیل است که نمی‌توانند». رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: «مطلقاً نباید برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب منوط کرد، زیرا حتما شکست خواهد خورد». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور و اعضای دولت افزودند: «هر جا کارها را منوط به غرب و مذاکره با آن و آمریکا کردید، ناموفق بودید و هر جا بدون اعتماد به غرب، حرکت و از آنها قطع امید کردید، موفق بودید و پیش رفتید».

این تجربه مهم که مقام معظم رهبری به آن اشاره فرمودند، می‌تواند تبدیل به یک راهبرد مهم در حوزه مدیریت اجرایی در دولت سیزدهم شود و قاعدتاً یک موضوع عبرت‌آموز برای مدیریت اجرایی و نحوه تعامل با غرب است. با این حال اما این تجربه دولت روحانی، هزینه‌های گزافی را برای معیشت مردم در برداشت. این درس عبرت تاریخی، به بهای گروگان‌گیری اقتصاد کشور در طول ۸ سال اخیر به دست آمد؛ درس عبرتی که نتیجه آن را مردم ایران با پوست و گوشت و استخوان خود لمس کردند و حاصل این سوءمدیریت در شاخص‌های اقتصادی مبرهن است. دولت‌های یازدهم و دوازدهم خالق یکی از بدترین شاخص‌های اقتصادی پس از انقلاب در زمینه‌های مختلف هستند. بالاترین میزان افزایش قیمت مسکن، ارز و خودرو از یک سو، شکستن رکورد تورم اقلام خوراکی و پایین‌ترین سطح سرمایه‌گذاری خارجی و... از سوی دیگر، بخشی از کارنامه اقتصادی حسن روحانی است که درس عبرت پرهزینه دولت‌های آینده جمهوری اسلامی ایران است.

میانگین رشد اقتصادی در دهه ۹۰ نزدیک صفر است و فراز و نشیب ایران در رشد اقتصادی نشان از نبود برنامه‌ای مدون و عملیاتی برای توسعه اقتصاد کشور دارد که ثمره نگاه غلط حاکم بر دولت تدبیر و امید به اقتصاد و سیاست است؛ نگاهی تک‌ساحتی که حل تمام مسائل را در مذاکره با غرب جست‌وجو می‌کرد و گویی اقتصاد ایران این دهه را به طور کامل از دست داده است.

تشکیل سرمایه در ادبیات اقتصادی، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای رشد تولید و شکوفایی اقتصاد شناخته می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

نحوه مواجهه با میراث روحانی

در دوران پسا «اعتماد به آمریکا» چه باید کرد

یادداشت

رضا باقری‌پور*: آخرین جلسه رهبر انقلاب با دولت دوازدهم در حقیقت تبیین اصول مواجهه دولت منتخب با آمریکا و مذاکرات هسته‌ای بود. از برآیند اظهارات طرف آمریکایی و بیانات اخیر رهبر انقلاب مجموعا می‌توان «احتضار برجام» را نتیجه گرفت.

طرف غربی با ۳ خط قرمز فنی به میز مذاکره بازگشته است:

اول، توافق هسته‌ای زمانی شکل می‌گیرد که الزاما توافق موشکی و منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد.

دوم، هیچ ضمانتی برای ماندن آمریکا در برجام بیشتر از آنچه در برجام بود، داده نمی‌شود.

سوم، در توافق جدید ایران نباید توان بازگشت به وضعیت فعلی خود را به سرعتی که تا الان داشته، داشته باشد.

در سیاست حرف قطعی رهبر انقلاب به صورت پیش‌فرض این استانداردهای هیات آمریکایی رد شده بود اما در جلسه آخر اعضای هیات دولت تدبیر و امید با رهبر انقلاب از سوی معظم‌له مشخصا بر غیرقابل قبول بودن آنها تاکید شد.

به شکل جالبی ۲ رئیس‌جمهور اخیر ایالات متحده کاملا برخلاف پیش‌فرض و تخمین تحلیلگران بویژه طیف خاصی از تحلیلگران ایرانی ظاهر شده‌اند. به یاد داریم همزمان با پیروزی ترامپ، کلیشه غالب، باور به تاجرصفتی و خصلت معامله‌گرایانه او بود. قبل از پیروزی بایدن هم انتظار دگردیسی در سیاست خارجی آمریکا به کلیشه عمومی فضای تحلیل بدل شده بود. به هر صورت کمی زمان نیاز بود تا این واقعیت روشن شود که آیا قرائت روشن و ثابت جمهوری اسلامی بویژه رهبر انقلاب از آمریکا یک کلیشه بی‌پشتوانه است یا گزاره‌های موسمی و رنگارنگ رویکردهای بدیل. این زمان اکنون بر ما گذشت؛ و گران نیز گذشت. همزمان با تغییر کادر مدیریت کشور باید به استراتژی و آرایشی جدید اندیشید.

اگرچه مشی اشتباه مذاکره‌کنندگان در پنهانکاری محتوای گفت‌وگوها به نحو شدیدتری در وین در حال تکرار است اما مبتنی بر اظهارات ۲ طرف، در نقطه‌ای که اکنون در آن ایستاده‌ایم، حتی از دوردست توافقی نمایان نیست. به نظر حجم تباهی به جا مانده از دولت دوازدهم و تردیدهایی پیرامون موضع دولت جدید، دولت آمریکا را به وسوسه کسب امتیاز در دقیقه ۹۰ انداخته است. چیزی که بایدن تلاش دارد با بهای گزاف به ایران بفروشد، حتی در حد برجام ارزنده نیست و مبنی بر تجربه‌ای سخت و پرهزینه، جمهوری اسلامی هم حاضر به پذیرش کمتر از برجام نیست و حتی برای عدم تکرار تجربه خروج آمریکا، تعهدات مضاعف را طلب می‌کند. لذا رهبر انقلاب در آخرین دیدارشان با دولتمردان دولت دوازدهم در فرمانی که طبعا دولتمردان دولت آتی را مخاطب گرفته، هر گونه نیم‌نگاه به توافق برای مدیریت کشور را «مطلقا» نفی کردند.

■ ۲ توصیه سیاسی

۱- تکیه بر امکانات داخلی و خنثی‌سازی تحریم

دولت منتخب تا زمانی که گوشه‌ای از توانایی خود برای مدیریت کشور را به نمایش نگذارد، محال است در میز مذاکره حتی به یک برجام دست و پا شکسته برسد. از منتهاالیه مشتاقان مذاکره، آنهایی که منازعات بین‌المللی را دعوای خواهر و برادری بر سر پوست پرتقال می‌دانستند تا کسانی که از ابتدا مخالف مذاکره بودند، ناچار به اعترافند که تکیه بر امکانات داخلی و خنثی‌سازی تحریم دیگر نه یک شعار، نه یک دگم ایدئولوژیک و نه محور جریان فشار داخلی، بلکه تنها سیاست در دسترس است. البته به شرطی که سیاست را آن سامان و ترتیباتی بدانیم که به عقلانیت قوام دارد؛ با حذف شرط عقل، شاید بتوان سیاست‌های دیگری هم متصور شد.

اساسی‌ترین عارضه برجام در جزئیات بندهای آن نیست، همین تمرکز ذهن و حواس یک کشور به فراز و فرودهای آن است. دولت آقای رئیسی فارغ از اینکه از برجام چه می‌خواهد یا اینکه به کمتر از آن راضی می‌شود یا بیشتر از آن را طلب می‌کند، یک اصل اساسی را نباید به دست فراموشی بسپارد و آن اینکه در بیان و عمل این نکته را نمایش دهد که هسته مدیریت کشور نسبت به برجام، بی‌اعتناست. این بی‌اعتنایی باید بر تمام قواره دولت بنشیند؛ گذشته از جنبه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری، رئیس‌جمهور حتی در سخنرانی‌های خود کمتر به نام برجام و موضوع پرونده اتمی اشاره کند و عمومی کردن این پرونده و حل پرسش‌های اجتماعی را به شخص دیگری واگذارد. این توصیه، خود اثرات سیاستی هم دارد؛ به این صورت که هر گونه اجرای قدم به قدم و پله‌ای برجام نفی می‌شود. شاید روزی به هر دلیلی احیای گام‌به‌گام برجام از حیث دیپلماتیک توجیه‌پذیر شد اما از این عارضه که برجام مجددا به کانون توجه اقتصاد و سیاست ایران بدل می‌شود، گریزی نخواهد بود. اینجا رئیس‌جمهور باید هزینه- فایده کند.

۲- تداوم و تجدید انرژی ملی

به کنایه می‌توان گفت رئیس‌جمهور منتخب، رئیس جدید دولت نیست، به نوعی بنیان‌گذار دولت و قوه مجریه خواهد بود. چیزی از آنچه دولت می‌نامیم، نمانده است. ابزارهای سیاستی دولت بشدت محدود شده، از سرمایه اجتماعی چیزی نمانده و توانی برای ارائه قابل قبول پایه‌ای‌ترین نیازهای انسانی موجود نیست. این دولت از توشه خود بویژه به واسطه شخصیت سیدابراهیم رئیسی چیزی که می‌توان آن را امید یا انرژی ملی نامید، دارد. شخص رئیس‌جمهور برگزیده مورد حسن‌ظن بسیاری از مردم است. مبتنی بر نظرسنجی‌ها تقریبا نیمی از کسانی که در انتخابات شرکت نکردند هم چنانچه مجاب به مشارکت می‌شدند، به ایشان رای می‌دادند. در میان تراکم دلایل واقعی و قابل قبول برای ناراحتی و شکایت، چنین ظرفیت‌هایی بسیار مغتنم است.

رئیس‌جمهور منتخب برای غلبه بر چالش‌های داخلی و دستیابی به تمدید فرصت از جانب مردم برای حل مسائل بحران‌زا، از قبیل آب، برق، غذا، تورم و... باید به این انرژی ملی توجه ویژه داشته و آن را تداوم بخشد.

ادامه در صفحه ۶

دولت عدالتخواه! از تصویر خود پاسداری کن...

[دکتر مصباح‌الهدی باقری*]

نگاه

ادراک بشر از برخوردهای دائمی‌اش با موضوعات مختلف، از آغاز خلقت وجود داشته و به همین جهت به تصویرسازی از هر آنچه با آن مواجه می‌شود، می‌پردازد اما در دهه‌های اخیر با ورود رسانه‌های جمعی چه در قامت مونولوگ و چه بعدا به صورت دیجیتال و بعد از آن، قدرت گرفتن رسانه‌ها و شبکه‌های تعاملی و اجتماعی، این تصویرسازی و ادراک، بخش عمده‌ای از زندگی انسان‌ها را اشغال کرده و قضاوت‌ها و تصمیمات بعدی‌شان را شکل داده است. در واقع، هر فرد تبدیل به یک رسانه و رسانه‌ساز شده است و جنگ تصاویر و ادراکات، سنگین‌ترین، پرحجم‌ترین و تحیرآفرین‌ترین جنگ معاصر شده است. این مهم تا جایی پیش رفته که رقابت اصلی به جای واقعیت، به حوزه ادراک و تصویرسازی از آن واقعیت منتقل شده است. بعضا حتی این دو (واقعیت و تصویر) در جنگی دائم و مستمر، رودرروی هم عرض‌اندام می‌کنند.

از آنجا که حوزه تصویرسازی حوزه‌ای بی‌نهایت است، فلذا جنگ و رقابت اغلب در زمین ادراکات و تصویرسازی‌هاست و بشدت روی هر تصمیم بعدی هم مؤثر جلوه می‌نماید. این موضوع درباره حکومت‌ها و دولت‌ها که به دنبال ارتقای سطح اعتماد عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی هستند، به عنوان یکی از دستور کارهای همیشگی مورد توجه و عنایت است. در کشور ما این مهم چندبرابر اهمیت پیدا می‌کند، چرا که یکی از مهم‌ترین جبهه‌های جنگی تصویرسازی روی الان ایران معاصر ساخته شده و هر روز با مدل و آرایشی تازه، وجهه جدیدی از این جنگ و تخاصم رو می‌شود. طمع دشمنان درباره ایران اسلامی آنقدر بالاست که حالا آن را تبدیل به یکی از آزمایشگاه‌های امتحان سلاح‌های تصویرساز و ادراکی‌شان کرده‌اند و نسخه‌های بکر و تازه‌ای از تولیدات (بخوانید شیادی‌های) رسانه‌ای خود را در ایران رونمایی می‌کنند.

با آمدن دولت جدید به ریاست حاج‌آقا رئیسی، امیدهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی شکل گرفته است. مهم اینکه دولت ایشان با گفتمان عدالت توانسته رأی اکثریت رأی‌دهندگان را جلب کند. از این جهت لازم است با دقتی مضاعف هم از تصویر شکل‌گرفته صیانت شود و هم در ارتقای تصویر درست و بجا عمل شود. قابل ذکر اینکه عدم دقت در ایجاد تصویر درست، نه‌تنها برای این دولت خسارت‌زا است، بلکه تصویر انباشته‌ای که در طول دهه‌های اخیر با بی‌مبالاتی در اذهان شکل‌گرفته را تقویت می‌کند. برآیند آن تصویر انباشته، نرخ متوسط مشارکت مردم در انتخابات بود که هشداری جدی مبنی بر توجه به نیازها و مطالبات مردم را گوشزد می‌کند. بدیهی است اقدامات بهنگام و عملکرد ملموس و مؤثر همچنان جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارد اما لازم است به بعد تصویرساز دولت هم در کنار آن توجه شایسته شود و کنار گذاردن هرکدام به نفع دیگری، نوعی اهمال غیرقابل بخشش را در این شرایط حاد رقم می‌زند. برای این مهم نکات زیر لازم‌الرعایه است.

اول: شخص اول اجرایی کشور بشدت زیر ذره‌بین افکار عمومی است. تمام مطالبات و انتظارات انباشت‌شده در طول سالیان، توجه زیادی را روانه شخص رئیس‌جمهور محترم منتخب کرده است. شاید مهم‌ترین ویژگی حاج‌آقا رئیسی این باشد که او نمی‌تواند نمایش بازی کند و مثل برخی رؤسای‌جمهوری پیشین، بازیگر باشد و کارگردانی و بازیگردانی شود. این البته حُسن بسیار برجسته‌ای است که مردم با شخصیتی ساخته و پرداخته نور، دکور و دکوپاژ سروکار ندارند، بلکه با خود خود یک رئیس‌جمهور بدون بزک‌های مرسوم رسانه‌ای و تصویری سروکار دارند و می‌توانند مستقیم و بدون روتوش با او تعامل و دیالوگ برقرار کنند.

دوم: لایه اول اطراف رئیس‌جمهور شامل همه کسانی که بیشترین ارتباط و درگیری تصویرساز را با ایشان دارند، بشدت باید همین احتیاط را پیشه کنند. رئیس دفتر، معاونان و وزرا به ترتیب در این لایه، نگاه‌ها را به خود دارند. هر گونه آسان‌گیری در حرکات و سکنات و فعل و انفعال‌ها هزینه‌ای سنگین و بعضا غیرقابل جبران به همراه دارد.

سوم: لازم است دولت روحانی حسابرسی‌شده، تحویل گرفته شود. متأسفانه بی‌انضباطی دولت کنونی و مدیریت نامنسجم و متشتت این دولت در حوزه‌های مختلف، مجموعه‌ای وصله و پینه‌ای از نظامات مختلف را برجا گذاشته است که اگر به‌دقت ماترک آن درست و سرراست تحویل گرفته نشود و در سر جایش به مردم گزارش داده نشود، همه خسارت‌ها در جیب دولت فعلی به عنوان تعهدات سررسید شده محاسبه می‌شود. لذا ارائه تصویر درست ـ و نه با شاخص بازی‌های(!) گمراه‌کننده ـ از آنچه تحویل داده می‌شود یک ضرورت بدون اغماض است و اطلاع‌رسانی درست و دقیق آن در مواعیدش، یک واجب.

چهارم: دسترسی به مردم و دسترسی مردم به دولت نباید حالت نمایشی و شو به خود بگیرد. مردم باید احساس کنند دیده و شنیده می‌شوند. البته اینکه همه نیازهای‌شان تأمین شود در پرتو این ارتباطات می‌تواند حالت منطقی به خود بگیرد. اینکه سامانه‌هایی برای ارتباط برقرار شود خوب است اما اینکه اینها فقط یک‌طرفه مطالبات، نیازها و مساله‌ها را دریافت کنند و نتوانند پاسخگو باشند، بشدت در میان‌مدت مأیوس‌کننده و موجب افول اعتماد و سرمایه اجتماعی دولت و نظام می‌شود.

پنجم: کارگزاران باید در میان مردم باشند و خود را در پستوهای برج عاج‌نشینی پنهان و دور از دسترس نکنند. از این جهت حضور بی‌واسطه در میان مردم و احساس تعامل نزدیک باید به یک متاع آسان تبدیل شود. ارزش‌آفرینی‌های کاذب برای این نوع تعامل‌های ساده و صمیمی و بی‌واسطه، خرج زیادی را برای پشتیبانی و حمایت از برنامه‌ها و طرح‌ها و حرکت‌های دولت می‌تراشد.

ششم: هر لایحه و مصوبه دولت باید پیوست عدالت‌ورزی‌اش ملموس و محسوس باشد. مردم باید بدانند هر طرحی چه مقدار جامعه را به نزدیکی فاصله و کم شدن تبعیض‌ها و کاهش فقر و پیشگیری و مقابله با فساد نزدیک می‌کند و کدام‌یک بر شیپور فقر و فساد و تبعیض می‌دمد و ناامیدی ملی تولید می‌کند.

هفتم: یکی از دلایلی که رئیس قبلی قوه قضائیه را به سمت ریاست‌جمهوری رهنمون کرد، این علت بود که باید از سرچشمه جلوی فسادزایی و فسادخیزی را گرفت و اگر آن را موکول به نظارت‌ها و وارسی‌های بعدی کنیم هم هزینه‌های مقابله بالا می‌رود و هم نسبت مستقیمی با کاهش فساد پیدا نمی‌کند. لازم است در این جایگاه با استناد به محکمات قرآنی و روایی، مقامات بالایی و آنان که از آزادی عمل بیشتری برای دسترسی به بیت‌المال برخوردارند و اختیارات گسترده‌ای دارند و بعدا مقامات پایین‌تر و پایین‌تر، در رتبه‌های اولیه نظارت شدید و حسابرسی و حساب‌کشی قرار گیرند. بدیهی است انجام این مهم قرار نیست مایه شدت و افزایش ریسک‌گریزی مدیران شود ولی لازم است در این برهه که هر انحراف کوچک، سرمایه اجتماعی متزلزل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، با مراعات و دقت، امور تمشیت شود.

هشتم: خانواده و نزدیکان مسؤولان و کارگزاران، از هر گونه تصویرسازی خطا که آنان را در نقش‌هایی دور از زندگی متوسط (حتی پایین‌تر از آن) قرار می‌دهد بشدت پرهیز کرده و از نزدیک شدن به فضای زندگی‌های اشرافی (مسرفین/مترفین/مبذرین) و به‌اصطلاح لاکچری حتی در کوچک‌ترین و جزئی‌ترین مسائل و وسایل خودداری کنند تا جایی که بسیاری از حلال‌های مردم را برای خود تنگ و مضیق سازند. این دید و ادراک شایع که امکانات وسیع رفاهی در اختیار مسؤولان امر و کارگزاران و اهل و عیال‌شان قرار دارد، باید به نفع مردم و طبقات فرودست اصلاح شود و نزدیک‌ترها و وجیه‌ترها زیر ذره‌بین درستکاری و درست‌کرداری قرار گیرند. ۲ جمله معروف: «مگر گناه کردیم عزیزمان مسؤول شده» یا «پول و اموال خودمان است» باید از ادبیات توجیهی نزدیکان مسؤولان حذف شده و این فهم ایجاد شود که مسؤول نظام فقط برای راحتی خدمت حداکثری به مردم باید حد رفاهش در حداقل ممکن تضمین شود و بیشتر از آن جز خسارت‌آفرینی سهمناک به اعتماد عمومی ثمره‌ای ندارد.

نهم: مردم به عنوان ولی‌نعمت مورد توجه قرار بگیرند. اینکه کرامت و عزت نفس مردم توسط لایه‌های مختلف خدمت‌دهی دولت مورد توجه قرار گیرد و در حد یک جایزه و تقدیر و اتفاق نماند و فراگیر شود، به عنوان یک امر جدی پیگیری و مستقر شود تا جایی که این امر نه‌تنها به عنوان یک ضرورت، بلکه در قالب یک شیوه متعارف تعامل انسانی درآید.

دهم: رئیس‌جمهور به عنوان نماینده حقیقی مردم در جایگاه احقاق حق و در مواقع تظلم، اعاده حق قرار گیرد و به‌عنوان لایه‌ای از قدرت و مقابل ایشان (= مردم) تلقی نشود.

ادامه در صفحه ۶